

# آزادی قدس، آزادی کل جهان اسلام

گفتاری درباره شبهات و تحریفات طرح شده پیرامون مسئله قدس و  
نقش انقلاب اسلامی در مبارزه با صهیونیسم



به روایت:  
استاد  
رحیم پورازغدی







عنوان اثر:

## آزادی قدس، آزادی کل جهان اسلام

گفتاری درباره شباهت و تحریفات طرح‌شده پیرامون مسئله قدس  
و نقش انقلاب اسلامی در مبارزه با صهیونیسم

به روایت: استاد حسن رحیم‌پور ازغدی

تهیه، تنظیم و تدوین متن: ریحانه فلاح‌منش، علی خسروی راد

تهیه شده در واحد تولیدمحتوای معاونت سیاست‌ورزی

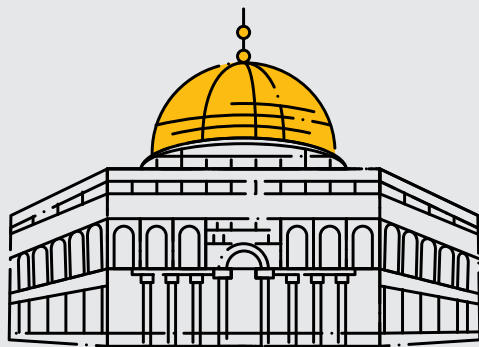
سازمان بسیج دانشجویی

طراحی جلد و صفحه‌آرایی: مهدی شاهوردی

قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع خیابان طالقانی و خیابان

مفتح، مجتمع فرهنگی ۱۳ آبان، سازمان بسیج دانشجویی



# آزادی قدس، آزادی کل جهان اسلام

گفتاری درباره شبهات و تحریفات طرح شده  
پیرامون مسئله قدس  
و نقش انقلاب اسلامی در مبارزه با  
صهیونیسم

به روایت:  
استاد حسن رحیم پور ازغدی



# فهرست

۶ پیش‌گفتار

## بخش اول:

۷ درباره صهیونیسم

۸ مرگ بر اسرائیل یا صهیونیسم؟!

۹ چرایی اهمیت مسئله قدس

۱۰ شبهات طرح‌شده پیرامون مسئله فلسطین

۱۱ پاسخ به شبهه اول: ارتباط ما و مبارزه با صهیونیسم

۱۷ پاسخ به شبهه دوم: رونمایی از تحریف‌های تاریخی

۲۵ دو جریان کلی پشت اشغال فلسطین

## بخش دوم:

۳۱ انقلاب اسلامی و قدس

رویکرد انقلاب اسلامی نسبت به دو جریان دموکراسی

۳۲ غربی و وهابیت

۳۳ نابودی اسرائیل از پیشگویی تا عملیاتی‌شدن

۳۳ کمک‌های ایران به قدس؛ مالی یا فکری؟

۳۴ تفرقه؛ حربه اسرائیل برای جلوگیری از افول

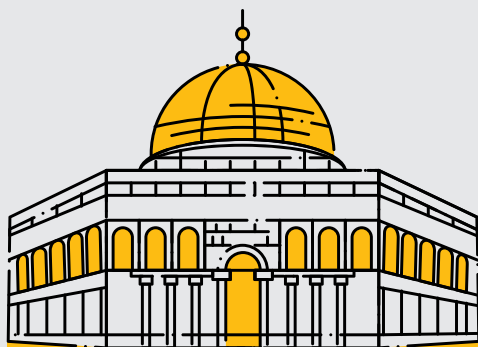
۳۵ مردم ایران؛ آماده جهاد برای آزادی قدس

۳۵ حمایت فلسطین و سوریه از انقلاب اسلامی ایران

## ◆ پیش‌گفتار

جزوه پیش‌رو چکیده‌ای از دو سخنرانی استاد رحیم‌پور ازغدی است که یکی در حرم مطهر رضوی در سال ۱۴۰۰ و دیگری در جمع برادران و خواهران پاکستانی، تاجیکی و دیگر ملیت‌ها در سال ۱۴۰۱ ایراد شده است. ایشان در این دو سخنرانی به شبهات طرح‌شده در مسئله فلسطین، ماهیت صهیونیسم و نظام فکری حمایت‌گر آن، چرایی لزوم مبارزه با این رژیم غاصب و نقش جهان اسلام در این راستا می‌پردازند. بخش نخست این جزوه به بیان تحریف‌های صهیونیسم و پاسخ به شبهات پیرامون آن می‌گذرد و در بخش دوم، نقش انقلاب اسلامی در مسئله قدس بیان شده است.





بخش اول:  
درباره صهیونیسم

### ◆ مرگ بر اسرائیل یا صهیونیسم؟! ◆

بہتر است شعار مرگ بر اسرائیل به شعار مرگ بر صهیونیسم تبدیل شود؛ چراکہ صهیونیسم از اسم اسرائیل سوءاستفادہ کرد و نام حضرت یعقوب را روی یک سرزمین اشغالی گذاشت. این رژیم با رویکرد خبیثانہ خود و با استفادہ از نمادہای بنی اسرائیل و قوم یہود وارد کار شدہ و جای جلا د و شہید را در طول تاریخ عوض کردہ است. این قوم برای توجیہ این روند از نام‌ها و نمادہای مقدس استفادہ کردہ است؛ درحالی کہ ارتباطی با یہود و تورات ندارد؛ بلکہ یک ایدئولوژی سکولار و غیردینی اروپایی است کہ در قرن نوزدہ در اروپا طراحی شد و در قرن بیستم بعد از جنگ جهانی اول، بالأخص بعد از جنگ دوم بین الملل اروپایی، تبدیل بہ یک طرح عملیاتی شد. اسرائیل یک کشور نیست؛ بلکہ دژ استعمار و خط مقدم کل استکبار و استعمار غربی در پیشانی جهان اسلام است.

یہودیان عبری، زمان حضرت موسی (ع) و بعدہا در زمان حضرت عیسی (ع) یک نژاد نبودہ و از قبایل و تیرہ‌های مختلفی بودند. یہودی کہ بہ عنوان دین الہی است، با این عدہ یہودیان اروپایی کہ خانہ‌های فلسطینی‌ها را اشغال کردہ‌اند، هیچ ارتباط تاریخی ندارد. این یک ایدئولوژی سکولار ناسیونالیستی قرن نوزدہمی اروپایی است و در راستای استعمار و جهان‌گشایی رخ دادہ است. ہستہ تئوریک صهیونیسم، تعالیم حضرت موسی (ع) نیست. حتی می‌توان گفت ہمین تورات فعلی نیز نیست. در اثبات این مطلب باید اشارہ کرد کہ «تئودور ہرتسل» کہ یکی از ایدئولوگ‌های اصلی صهیونیسم است، یک اروپایی ناسیونالیست نژادپرست و سکولار است. این نظریہ‌پرداز کہ تئوریسین و ایدئولوگ صهیونیسم در اروپاست، اصلاً مذہبی نبودہ و در یکی از کتاب‌هایش

بخش اول: درباره صهیونیسم

صریحاً وجود خدا را نیز انکار کرده است! چنین رهبرانی پیشرو یهود سرگردان شده‌اند! و این همان است که بنی اسرائیل مدرن می‌نامیم.

### ◆ چرایی اهمیت مسئله قدس

**قدس نماد مظلومیت کل جهان اسلام است. اگر قدس رها بشود، کل جهان اسلام آزاد می‌شود** و دیگر هیچ قدرتی در شرق و غرب جهان جرأت نمی‌کند به ملت‌های مسلمان اهانت کند. این‌که فلسطین نماد مظلومیت ملت‌های چهار قاره عالم در برابر جنایات اروپایی در دویست سال گذشته است، مسئله دیروز و امروز نیست؛ بلکه دهه‌هاست که هر روز و هر سال و هر ماه جنایت رخ می‌دهد و هیچ‌کدام خودسرانه نبوده؛ بلکه با حمایت مستقیم آمریکا، انگلیس، فرانسه و سرمایه‌داری جهانی است. این دول ابتدا مفاهیم را جابه‌جا کرده و بعد جنایت می‌کنند.

هرتسل در قرن نوزدهم صریحاً اذعان کرد که دولت یهودی که ما از آن صحبت می‌کنیم، بخشی از استحکامات غرب در آسیا و در جهان اسلام است و ما ژاندارم غرب در منطقه خواهیم بود. به ما کمک کنید تا فلسطین را بگیریم. صحبت از استعمار و استثمار و تحقیر مسلمین است. مسئله فلسطین بحث یک شهر نیست؛ بلکه تمام غرب پشت آن ایستاده‌اند. دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات آمریکا بعد از هر انتخابات، هر دو ابتدا با اسرائیل و با صهیونیست‌ها و سرمایه‌دارهای یهود بیعت می‌کنند.

دو حزب حاکم بر انگلیس نیز با این‌ها بیعت می‌کنند. احزاب فرانسه که اصلاً خود تحت حکومت فراماسونری هستند، نیز همین کار را می‌کنند؛ حتی بخشی از شالوده‌های اولیه تشکیل رژیم صهیونیستی، یهودی‌های شرق آسیا

و یهودی‌های آسیای میانه و روسیه هستند! حتی شوروی کمونیستی تقریباً بلافاصله بعد از آمریکا اسرائیل را به رسمیت شناخت. این بدین معنی است که شرق و غرب با هم متحد شده و این قضیه را سمبل حاکمیتشان بر جهان اسلام دانستند. صهیونیسم یک شعبه‌ای از سیستم امپریالیستی اروپا و بعد آمریکا در منطقه و در جهان اسلام است. زمانی انگلیسی‌ها می‌گفتند روح روم و یونان باستان در نهادهای آنگلوساکسون امروز، باید بر جهان حکومت کند و عملاً یک چنین حکومتی را چند دهه بعد از جنگ دوم بین‌الملل راه انداخته‌اند و اکنون انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جلوی آن‌ها ایستاده است.

### ◆ شبهات طرح‌شده پیرامون مسئله فلسطین

دوتا از قوی‌ترین شبهه‌هایی که در مورد فلسطین برای برانگیزاندن عوام فریبانه و کلاه‌بردارانه افکار عمومی و احساسات عمومی مطرح می‌شود، به شرح ذیل است:

**شبهه اول:** بیت‌المقدس یک سرزمین عربی بوده و این یک مسئله‌ای محلی بین اعراب و اسرائیل است و به بقیه مسلمین از جمله ایرانیان ربطی ندارد. راه‌حل سازمان ملل و غرب هم باهم بودن اسرائیل و فلسطین و نصف‌کردن بیت‌المقدس است. کجای این مشکل دارد که مدام شعار «مرگ بر صهیونیسم» و «مرگ بر رژیم اسرائیل» و «اسرائیل باید از بین برود» داده می‌شود؟

**شبهه دوم:** صحبت‌های عوام‌فریبانه با این عنوان که مسئله، داستان یک قوم سرگردان بی‌وطن به نام یهود بوده که در دوره امپراطوری مسیحی روم و نیز

● بخش اول: درباره صهیونیسم

در دوره‌های جدید و یکی دو قرن گذشته، در اروپای مسیحی تحت فشار بوده و همیشه سرکوب شده است و اکنون می‌خواهد به سرزمین اجداد خودش برگردد. این قوم مظلوم یک بار در اروپا قربانی هولوکاست شده و قتل عام گشته است و اکنون دوباره مسلمان‌ها، ایرانی‌ها و عرب‌ها می‌خواهند قتل عام راه بیندازند. در همین سه گزاره بیش از ده تحریف وجود دارد.

◆ پاسخ به شبهه اول: ارتباط ما و مبارزه با صهیونیسم

در پاسخ به شبهه اول باید گفت که اگر این سؤال را از ما به عنوان مسلمان بپرسند یک نوع پاسخ داده می‌شود، اگر به عنوان ایرانی بپرسند نوع دیگری پاسخ می‌دهیم و اگر به عنوان انسان بما هو انسان بپرسند جوابی دیگر داریم.

● پاسخ از منظر یک انسان بما هو انسان

اگر به عنوان انسان از ما بپرسند، باید گفت که اگر انسان، در برابر دیدن ظلم و قتل عام انسان‌ها و ملت‌های مظلوم سکوت کند، انسان نیست. این امر خلاف اخلاق انسانی است. حتی مکاتب اخلاقی که دینی و الهی نیستند، روی مسئله ظلم و عدل اجمالاً حساس‌اند.

● پاسخ از منظر یک اهل کتاب

اگر به عنوان دین دار از ما سؤال کنند، می‌گوییم هر کسی که معتقد به خداوند و قیامت و اخلاق و معتقد به انبیاء باشد، ولو مسلمان نباشد، امکان ندارد به خود اجازه بدهد که در کنار ظالم علیه مظلوم بایستد یا ببیند ظلم بارزی صورت گرفته و اقدامی نکند.

## ● پاسخ از منظر یک مسلمان شیعه

اگر از ما به عنوان مسلمان و به طور خاص شیعه اهل بیت سؤال شود، باید گفت که پیامبر اکرم(ص) فرمود هر کس صدای مظلومی را در عالم بشنود، ولو مسلمان نباشد و از شما کمک بخواهد و شما او را کمک نکنید «فلیس مِنّی» از من نیستید. بنابراین اگر نماز و روزه و حج و حجاب و سایر واجبات رعایت شود، ولی ظلم بین در منطقه و جهان و در شهر خودمان و هر جا ببینیم، اتفاق بیفتد و ما بی تفاوت باشیم، طبق فرموده پیامبر(ص)، ولو در شناسنامه مسلمان نامیده شویم، از امت پیامبر نیستیم. امیرالمؤمنین(ع) به حسن و حسین(علیهما السلام) در آخرین وصیت نامه شان فرمودند هر جا ظلم می بینید، باید در کنار مظلوم بایستید و چشم در چشم ظالم درگیر بشوید؛ «كُونَا لِلظَّالِمِ حَضْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا». حق ندارید بگویید این مشکل ما نیست، مشکل خودتان است!

همچنین می توان گفت ما معتقد نیستیم که قدس فقط برای مسلمین است، ما معتقدیم **قدس متعلق به همه ادیان ابراهیمی است**. بیت المقدس قبله اول مسلمین و مرکز انبیاء بزرگ از حضرت موسی(ع) و حضرت عیسی(ع) و انبیاء دیگر است. حضرت عیسی(ع) فلسطینی است و به صلیب کشیده شدن او به تعبیر مسیحیان و به آسمان رفتن او به تعبیر قرآن کریم، در همین مناطق اتفاق افتاده است. بحث هجرت حضرت موسی(ع)، بحث کنعان، فلسطین، مصر و به طور کلی همه این اتفاقات در همین منطقه رخ داده است. بنابراین ما معتقدیم قدس یک سرزمین مقدسی است که متعلق به همه ادیان ابراهیمی است.

## ● پاسخ از منظر یک ایرانی

اگر از ما به عنوان یک ایرانی پرسیده شود و بخواهیم از بعد صرف منافع ایران بررسی کنیم، باید گفت که صهیونیست‌ها و اسرائیلی‌ها در زمان شاه و تا چهل و دو سال پیش، بر ایران مسلط و حاکم بودند و اختیار پلیس ایران، ارتش، رادیو، دانشگاه و به طور کلی همه جای ایران دست این کشورها و بهاییان بود. این دول به محض پیروزی انقلاب برای برگشتن به ایران دست به کار شدند. چراکه ایران جزو مهم‌ترین کشورهای جهان است. در بیان علت این امر می‌توان به نفت آن و موقعیت استراتژیک این منطقه و همچنین آثاری که ایران در کل جهان اسلام علیه کشورهای استعمارگر ایجاد کرده است و منبع اصلی مقاومت شده است، اشاره کرد. از این رو ایران با توطئه، کودتا، ترور، تحریم و جنگ روبه‌رو بوده است. حتی چندین بار با تهدید بمباران اتمی روبه‌رو شده است. صهیونیست‌ها نیز مدام در صدد ترور شخصیت‌های مهم هستند و اذعان کرده‌اند که دوباره این کارها را تکرار می‌کنند. ما به عنوان یک انسان عاقل معتقدیم اکنون باید به بقیه کشورها کمک کرد تا دشمن نتواند به این جا بیاید. در این رویکرد ما اصلاً به فکر فلسطین و سوریه و عراق و بقیه مسلمین هم نیستیم؛ بلکه به فکر خودمان هستیم. نمی‌خواهیم دشمنی که صریحاً ما را تهدید می‌کند به بالای سرمان برسد؛ پس با او مقابله می‌کنیم. این عقلانیت نظامی، اقتصادی و همچنین عقلانیت مادی است.

مقامات درجه یک آمریکا و غرب معتقدند که اکنون ایران دوباره به ایران هخامنشی و کوروشی تبدیل شده است؛ با این تفاوت که قدرت کنونی، قدرت مردمی و انقلابی است و این انقلاب، ابرقدرت منطقه و یکی از چند قدرت اصلی

جهان است. تنها ملتی که استکبار و استعمار، امپریالیسم جهانی و صهیونیسم جهانی را تهدید می‌کند، ملت ایران است. فلذا اگر امنیت می‌خواهیم، نباید بگذاریم پای این کشورها به این جا باز شود. **آن ملتی و آن دولتی که بازوانش بلند است و در دورترین نقاط می‌تواند از خودش و از حیثیت و کرامت خودش دفاع کند، امنیت او بیشتر تضمین است.** امنیت و قدرت بین‌المللی ارکان اصلی منافع ملی هستند.

### ● پاسخ از منظر یک ملی‌گرای افراطی

اگر از ما به‌عنوان یک ایرانی طرفدار دوران باستان سؤال شود، باید ابتدا جواب آن دسته از ملی‌گرایان که غرب‌پرست هستند را داد و گفت شما چطور طرفدار ایران باستان و کوروش هستید که مدام نوکر غربی‌ها هستید؟! کوروش و داریوش و خشایارشا اگر هم وجود داشته باشند، قطب مخالف امپراطوری یونان و روم و غرب بوده‌اند و مدام با آن‌ها جنگیده‌اند. گاهی شکست خورده و گاهی پیروز شده‌اند. امپراطور روم را اسیر کرده و جلوی اسب شاه ایران به زانو درآورده‌اند. مستندات این واقعه در همین آثار تخت جمشید در شیراز موجود است. خشایارشا، آتن، مرکز یونان را گرفته است. **قبل از اسلام، ایران مظهر شرق و یونان و روم مظهر غرب بودند.** این دو مدام در حال درگیری بودند؛ حتی با فرض استعماری بودن این درگیری‌ها آن‌ها اقلّاً یک عزت ظاهری در برابر غربی‌ها داشتند؛ اما شما طرفداران خشایارشا، نوکر جیره‌خوار غربی‌ها هستید. اکنون برای پاسخ به‌عنوان ملی‌گرای افراطی باید به سندی اشاره کرد. بخشی از عهد عتیق و تورات - که البته ما معتقدیم که عهد عتیق و تورات، آن تورات اصلی نیست - کتابی به نام کتاب «اِشْتِرِن» است. این کتاب که به نحوه فعالیت یهودیان نفوذی



بخش اول: درباره صهیونیسم

در ایران علیه ملت ایران می‌پردازد، از یک تجربه ایرانی-یهودی یاد می‌کند. این تجربه از این قرار است که ایرانی‌ها بیت‌المقدس را مدتی قبل از اسلام، از دست پادشاهان بابل آزاد کردند. قبلاً بابل که مشرک و بت‌پرست بود، به قدس حمله کرده بود و بیت‌المقدس را گرفته بود. این حکومت بعد از پیروزی همه معابد را تخریب کرده بود. ده‌ها هزار یهودی را اسیر کرده و به‌عنوان برده و کنیز به بابل آورده بود. ایرانی‌ها بابل (بخت‌النصر) را شکست دادند و بیت‌المقدس را آزاد کردند و تحویل یهودی‌ها دادند. خود دولت ایران از پول ایرانیان معابد یهودی‌ها را ساخت و هزاران هزار طلا و نقره‌ای که قبلاً شاه بابل از معابد قدس غارت کرده بود و به بابل آورده بود را به یهودیان داد و آزادشان کرد تا به خانه‌هایشان برگردند. چراکه معتقد بود همه ادیان آزاد هستند؛ اما گروه زیادی از یهودیان به ایران آمدند و در ارکان ثروت و قدرت دخالت کردند. چند سال پیش نتانیاهو این کتاب را به اوپاما داد و خواهان تکرار این داستان در تاریخ شد. نخست‌وزیر قبلی اسرائیل این کتاب را در مدرسه به بچه‌ها در شهرهای فلسطین اشغالی داده و به آن‌ها یاد می‌داد تا در آینده‌ای نزدیک این کار را دوباره انجام دهند. برای تفصیل مطلب به شرح بیشتر این قضیه می‌پردازیم.

جنگ با آتن که مرکز غرب است، از داریوش (پدر خشایار) به خشایار که نوه کوروش است، رسیده بود. پدرش آماده جنگ با یونانی‌ها شده بود تا انتقام جنگ قبلی که طی آن شهری توسط آتن سوزانده شده بود را بگیرد. در آن حال داریوش از دنیا رفت. پسرش خشایار سپاه عظیمی را فراهم کرد و کل مناطق بین ایران و روم را گرفت و خود یونان و شهر آتن را فتح کرد. خشایار اعلام جشن ملی کرد و چند ماه جشن گرفته شد. میان یکی از این جشن‌ها خشایار شاه مست شد و از خانم خود که ملکه بود، درخواست‌های منافی عفت کرد. با مخالفت زن خشایار، شاه

او را عزل کرد. شخصی به نام «مُردُخای» که از رهبران یهودی نفوذی در دستگاه حکومت بود، یک برادرزاده دختر زیبایی یهودی داشت که جزو اسرای آزادشده توسط ایران بود. مردخای با شیطنتهایی برادرزاده اش را زن شاه کرد. صدراعظم شاه، نخست وزیر و شخص دوم شاه به نام «هامان» بعد از مدتی متوجه نفوذ یهودیان در دستگاه حکومت و سوءاستفاده این قوم از این نفوذ و کارهایی چون عدم پرداخت مالیات یا آزار و اذیت کردن آنان در مسئله حکومت شد.

هامان این مسئله را به شاه گزارش داد و او را قانع کرد که مُردُخای را حذف کرده و کنار بگذارد. روزی که قرار بود این کار انجام شود، عیدی به نام عید «پوریم» نام داشت. که همان روز سیزده به در است. ولی ناگهان اتفاقی افتاد. شاه را مست کردند و وسط مستی، اِسترو و این بانندی که در دربار نفوذ داشتند، از خشایارشا یک برگه سفیدامضاء گرفته و خواستار قتل هامان و ده پسر او شدند. شاه نیز کاغذ سفیدامضاء را امضاء کرد. طبق یک نقل هشت روز و طبق یک نقل هم بیشتر، آزادی مطلق برای کشتار کسانی که این تیم دستگاه هخامنشی تشخیص بدهند، اعلام شد. هفتادوهفت هزار ایرانی را طرف یکی دو روز قتل عام کردند و سرهایشان را در کوچه ها و خیابان ها بُریدند. صدراعظم و ده تا پسرش را کشتند، سپس جنازه هایشان را نیز به دار کشیدند. طبق کمترین نقل هفتادوهفت هزار نفر ایرانی به دستور این شبکه نفوذی دستگاه هخامنشی قتل عام شدند. این هولوکاست واقعی است. این قُردانی یهودیان از ایرانی ها برای شکست دادن بابل و بازسازی معبد سلیمان بوده است. یهودیان هر روز و هر سال این روزها را جشن می گیرند. این کشتار گسترده مانند همان داستان قحطی است که انگلیسی ها در جنگ جهانی اول، اواخر قاجار در ایران پدید آوردند و به واسطه آن نزدیک نه میلیون ایرانی (نزدیک نصف ملت ایران) کشته شدند. این هولوکاستی

### ● بخش اول: درباره صهیونیسم

است که انگلیسی‌ها و غربی‌ها در ایران کردند. هولوکاست یعنی قوم‌سوزی، قتل عام مردم، این یک هولوکاست واقعی است.

پس به‌عنوان ملی‌گرای افراطی نیز ما موظف به مبارزه با صهیونیسم هستیم؛ چراکه این گروه، خوبی ایرانیان را در تاریخ با ظلم پاسخ داده‌اند.

### ◆ پاسخ به شبهه دوم: رونمایی از تحریف‌های تاریخی

#### ● تحریف اول

بیت‌المقدس تحت اوامر امپراطوری روم بوده و دست یهودی‌ها نبوده است. رومی‌ها و مسیحی‌ها، یهودی‌ها را از قدس بیرون کرده بودند؛ پس وقتی قدس به دست مسلمین افتاد، اصلاً یهودی‌ها آن‌جا نبودند؛ بلکه مسیحی‌ها حضور داشتند. در ادامه برای فهم بیشتر به چگونگی حضور یهودیان در این سرزمین در سال‌های اخیر اشاره می‌کنیم.

#### ● چگونگی حضور یهودیان در فلسطین در سال‌های اخیر

می‌دانیم که روی آوردن تدریجی یهود به فلسطین از قرن نوزدهم آغاز شد. ابتدا باید پرسید چرا تا قبل از قرن نوزدهم میلادی چیزی به نام ناسیونالیسم سیاسی یهود مطرح نبوده و یک مرتبه در قرن نوزدهم مطرح شده است؟ زیرا در قرن نوزدهم تهاجم کلاسیک استعماری اروپا به جهان اسلام احتیاج داشت تا این مفهوم صهیونیسم سیاسی را که اساس آن نژادپرستی قرن نوزدهمی اروپایی است، به وجود بیاورد. آن‌ها از کلمات مذهبی مثل اسرائیل که همان نام حضرت یعقوب (ع) است یا صهیون استفاده کردند، ولی در پشت پرده فقط نگاه سیاسی و مبتنی بر سکولاریسم غربی و ایدئولوژی‌های توسعه‌طلب و نژادپرستانه

**اروپایی و غربی است.** قبل از انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و ناپلئون می‌خواستند از این خط استفاده کرده و یهودی‌ها را در جهان اسلام مستقر کرده، تا بتوانند در این سرزمین‌ها نفوذ کنند. اما در تهیه مقدماتش موفق نبودند. آن‌ها مصر را اشغال کردند، ولی نتوانستند به فلسطین مسلط شوند؛ ولی انگلیسی‌ها در قرن ۱۹ این کار را کردند.

هرتسل معتقد است وقتی ما از قوم یهود حرف می‌زنیم، منظورمان مسئله‌ای با یک هویت دینی نیست؛ بلکه ما از یک پدیده سیاسی و استراتژیک سخن می‌گوییم! وگرنه یهودیان فلسطین که تا قبل از صهیونیسم در قدس و همه جای جهان اسلام زندگی می‌کردند.

گفته شد فلسطین اصلاً یهودی نداشته است و تا قبل قرن نوزدهم یک گروه خیلی کوچک پراکنده‌ای در آن جا زندگی می‌کردند. به‌طور کلی این اواخر که اسرائیل و رژیم صهیونیستی به دست غربی‌ها بنیان‌گذاری شد، بیشتر از ده یا پانزده هزار یهودی در فلسطین زندگی نمی‌کرده‌اند و آن‌ها نیز آزادی کامل دین داشتند.

انگلیسی‌ها در سال ۱۹۱۴ به‌طور مداوم یهودی‌ها را از اروپا به این سرزمین آورده و به عدد هشتادوپنج هزار رساندند و بدین ترتیب پروژه پاک‌سازی قومی و دینی در ۱۹۳۱ در فلسطین آغاز شد. انگلیسی‌ها در ادامه تعداد یهودی‌ها را به صدو هفتاد هزار نفر رسانده و در طی هفت الی هشت سال شاهد تعداد نزدیک نیم میلیون جمعیت یهودی در فلسطین بودیم. تنفر انگلیسی‌ها از یهودیان باعث شده بود تا بخواهند اروپا را از یهودی‌ها تسویه کنند. در بیان علت این امر می‌توان به اختلاف نظرهای اعتقادی اشاره کرد؛ چراکه مسیحیان معتقدند یهودیان عیسی مسیح را به صلیب کشیده‌اند و از طرف دیگر یهودیان نیز فکر می‌کنند حضرت عیسی العیاذ بالله، یک کذاب دروغ‌گوی کلاه‌بردار بوده است. در

بخش اول: درباره صهیونیسم

این میان قرآن بین مسیحی و یهودی را آشتی داده است و می‌فرماید یهودی‌ها قاتل خدای مسیحیان نیستند. چراکه مسیح به صلیب نرفت بلکه شخص دیگری به صلیب کشیده شد؛ دوم این‌که عیسی خدا نیست، پسر خدا نیز نیست، بلکه بنده صالح خداست و بدین ترتیب قرآن جنگ مسیحی و یهودی را خاتمه داد. در مقابل یهودی و مسیحی که با هم دشمن بودند، با هم علیه اسلام متحد شدند! در سال ۱۹۴۸ که رژیم صهیونیستی تشکیل شد حدود شصت الی هفتاد درصد از جمعیت این رژیم اروپایی بود. پس می‌توان گفت یهود امروزی که خود را آواره و سرگردان می‌داند، هیچ ارتباطی با نژادهای خاورمیانه‌ای عبری و فلسطینیان سه هزار سال پیش ندارد. این در حالی است که فلسطینیان کنونی از جای دیگری نیامده و بچه‌های همان ساکنان فلسطین هستند که یهودی بودند، سپس مسیحی شدند و اکنون نیز مسلمان هستند. کل یهودیان موجود در فلسطین، زیر چهار درصد بودند؛ درحالی‌که سرمایه‌داری یهود اروپایی، آن را به سی درصد رساند.

ترور، قتل‌عام و شکنجه، نزدیک هفتاد سال است که ادامه دارد. البته لازم به ذکر است که بدون حمایت اروپا و آمریکا این جنایات ممکن نبود. سازمان ملل دست‌نشانده آمریکا و غرب نیز، این ظلم را تأیید کرده و به آن رسمیت داد. وی خود از همه بهتر می‌داند پدیده‌ای به نام نژاد یهود یک دروغ بزرگ است و اسطوره‌ای به نام نژاد یهود توسط نازی‌ها و هیتلر ساخته شده است. در اثبات این ادعا می‌توان اشاره کرد که اولین کسی که در اروپای جدید کلمه نژاد یهود را به کار برد، هیتلر بود. نسل هیتلر یهودی بوده و خود نیز یهودی‌زاده می‌باشد. سازمان ملل توسط چند قدرت استکباری اتمی اداره می‌شود و او مسئول مرگ کودکانی است که به خاطر نبود دارو و غذا و به خاطر شکنجه از بین می‌روند. بچه‌هایی که

اعضای بدنشان، به عنوان قطعات یدکی برای بچه‌های سرمایه‌دارهای آمریکایی، اروپایی، صهیونیستی و یهودی فریز می‌شود تا اگر کلیه آن بچه سرمایه‌دار غربی عیب پیدا کرد، از بچه‌های مسلمان، فلسطینی، عراقی، سوری، یمنی استفاده شود. این همه ماجرا نیست. چندین هزار بچه در همین ماجراهای اخیر عراق، سوریه، یمن و فلسطین گم شده و به پادگان‌های سربازان دشمن جهت استفاده جنسی برده شده‌اند و در آخر نیز توسط آن‌ها کشته شده‌اند. جنایت این قوم بی‌شمار است.

### ● تحریف دوم

فتح قدس با جنگ رخ نداده است، پس اشغال و خشونت در کار نبوده بلکه جهاد اسلامی بوده است. درحالی‌که صلیبی‌ها خودشان معتقدند که تا سگ و گربه‌های قدس را کشته‌اند!  
در ادامه به مقایسه نحوه پیوستن قدس به حکومت اسلامی و نحوه پیوستن آن به صلیبی‌ها می‌پردازیم.

### ● قدس و پیوستن به حکومت اسلامی

بیت المقدس در زمان خلیفه دوم **بدون جنگ** به جهان اسلام پیوست. تاریخ حاکی از آن است که خود مردم قدس در مدینه پیغام به خلیفه مسلمین داده و ضمن گله از جنگ‌ها و ستم‌های امپراتوری ایران و روم و دست‌به‌دست شدن آن‌ها بین این دو امپراتوری که یکی مسیحی و دیگری زرتشتی است، **خواستار رهایی از بند حکومت روم و الحاق به حکومت اسلامی به علت رفتار محترمانه و دوستانه مسلمین، اعتقاد آنان به برابری حقوق و دین سایر ادیان و**

● بخش اول: درباره صهیونیسم

**تمدن سازی و آبادی ساختن آن‌ها در شهرهای فتح شده، گشتند.** خلیفه دوم با مشورت حضرت امیر(ع) این امر را پذیرفت و خود با الاغی ساده راهی آن جا شد. با این تفاسیر بدون جنگ و خون‌ریزی قبله اول مسلمین آزاد شد. مسلمین بسیار حقوق قدسیان را رعایت می‌کردند. برای مثال به چند نمونه تاریخی اشاره می‌شود:

**نمونه اول:** وقتی مسلمین به مسجدالاقصی رسیدند(مکانی بود که پیامبر(ص) از آن جا به معراج رفتند)، مسیحیان و یهودیان همان جا داوطلبانه به کمکشان آمدند و آن مکان را پاک‌سازی کردند؛ چراکه معراج در زمان رومی‌ها صورت گرفته بود و قدس دست رومی‌ها بوده و آن‌ها آن جا را به مکان نامناسبی تبدیل کرده بودند.

**نمونه دوم:** مسیحیان به خلیفه مسلمان‌ها اعلام کرده بودند که مسلمین می‌توانند در کلیسا نماز بخوانند و مانعی از طرف مسیحیان برای این امر نیست؛ چراکه قدس تحت امر مسلمانان است؛ اما خلیفه مخالفت می‌کند؛ او در بیان علت این رفتار متذکر می‌شود که من اگر آن جا نماز بخوانم، ممکن است بعدها مسلمان‌ها بخواهند کلیسای بزرگ مسیحیان در بیت المقدس مسجد بشود. پس ما کنار کلیسای شما یک مسجد می‌سازیم و از کلیسا استفاده نمی‌کنیم.

**نمونه سوم:** مسیحیان برای پذیرش حکومت اسلامی یک شرط گذاشتند و خواهان راه‌اندازن یهودیان به آن جا بودند! چراکه آن‌ها با حضور خود فتنه کرده و اختلاف راه می‌انداختند. آن‌ها همچنین با رباخواری در مسائل اقتصادی مدام

توطئه و شیطنت داشتند. مسلمین اعلام کردند اگر توطئه‌ای باشد، آماده مبارزه هستند؛ اما مخالفت و جلوگیری ادیان از آمدن به زیارت درست نیست و از این کار اجتناب کردند.

**نمونه چهارم:** در یکی از جنگ‌های صلیبی که قدس از دست مسلمین خارج شد، نمایندگان فاطمیون در آخرین لحظاتی که شهر را ترک می‌کردند تا دورتر بروند و موضع بگیرند، همه مالیاتی که از مردم مسیحی و یهودی بیت‌المقدس جمع کرده بودند را به آن‌ها پس دادند. مسیحیان در کمال تعجب جویای علت این امر، آن‌هم با وجود نیاز شدید مالی مسلمانان در اثنای جنگ شدند. فاطمیون در پاسخ گفتند که این پول شرعاً متعلق به آن‌ها نیست؛ چراکه این مالیات بوده و باید در شهر، خرج مالیات‌دهندگان می‌شده است. اکنون که شهر سقوط کرده و دست دشمن می‌افتد، امکان خرج کردن مالیات نیست؛ پس مالیات‌هایتان را به شما برمی‌گردانیم.

**نمونه پنجم:** مردم در شهر قدس با این‌که خود مسیحی بودند اما خواستار رها نشدن به دست صلیبی‌ها بوده و می‌خواستند در کنار مسلمین با صلیبی‌ها بجنگند؛ چراکه اسلام با آن‌ها مهربان بود و با عدالت رفتار می‌کرد. این‌ها بیانگر بخشی از رفتار محترمانه مسلمین با قدسیان است.

### ● مقایسه رفتار مسلمین و رفتار مسیحیان در فلسطین

زمانی که قدس در اختیار مسیحیان و صلیبی‌ها افتاد، یهودی‌ها، مسلمین و بعضی مسیحیان شرقی را بیرون کردند یا کشتند و بعدها که دست



● بخش اول: درباره صهیونیسم

صهیونیست‌ها افتاد، مسلمین را قتل‌عام کردند و بسیاری از مسیحیان را نیز به‌جز کسانی که با صهیونیست‌ها همکاری کردند، بیرون کردند. اما در قرن‌هایی که بیت‌المقدس در اختیار مسلمین بود، مسیحی و یهودی کاملاً آزاد، محترم، با رعایت همه حقوق شهروندی رفت‌وآمد کرده و خود مسیحیان و یهودیانی که ساکن قدس بودند، در رفاه و آزادی مطلق بودند. هیچ نوع توهین، فشار یا تهدیدی علیه مسیحیان و یهودیان در بیت‌المقدس و فلسطین نبوده و همه صلح‌آمیز با هم زندگی می‌کردند.

● **قدس بعد از جنگ‌های صلیبی**

با ورود صلیبی‌ها و مسیحی‌های اروپایی، آن‌ها نه فقط کل مسلمانان و یهودیان شهر، بلکه کل مسلمانان بیت‌المقدس را بدون استثناء قتل‌عام کردند؛ به حدی که به گفته خودشان در کتب تاریخی، به‌طورکلی دیوار کوچه‌های قدس تا کمر آلوده به خون شد. حتی سگ و گربه‌ها را هم کشتند. آن‌ها در بیان جنایات خود پافراتر گذاشته و اذعان کرده‌اند که زنان آبستن مسلمان را پیدا می‌کردند، شکم‌هایشان را می‌دیدند و آن بچه جنین را از شکم مادر بیرون کشیده و او را به زمین و دیوار می‌کوبیدند و بعد مادر او را می‌کشتند! حتی یهودیان خواهان حکومت اسلامی را هم می‌کشتند.

چند دهه بعد مسلمین دوباره بیت‌المقدس را پس گرفتند و قدس به دست مسلمین افتاد تا حدود هفتاد سال پیش که انگلیسی‌ها و غربی‌ها دوباره بیت‌المقدس را اشغال کردند و در جنگ جهانی اول از دست مسلمین خارج کردند و بعد از جنگ جهانی دوم، این سرزمین را به تروریست‌های یهودی و صهیونیستی تحویل دادند.

## ● تحریف سوم

گفته شده ما می‌خواهیم برای یهودیان سرگردان وطن درست کنیم! مگر یهودی‌ها در فلسطین نبودند؟ وقتی فلسطین دست مسلمین بوده، یهودی و مسیحی و مسلمان کنار هم زندگی می‌کردند. قدس، مقدس برای هر سه دین است. حضرت عیسی(ع) فلسطینی است و او در فلسطین به معراج و آسمان رفت. حضرت موسی(ع) در فلسطین نخستین اقدام برای تمدن‌سازی توحیدی و الهی را انجام داده است و قبله اول مسلمین و محل معراج پیامبر اکرم(ص) نیز بوده است. هر سه دین در قدس حق دارند. هر سه دین، زمانی که قدس دست مسلمین بوده، آزادانه، با دین آزاد، با عبادت آزاد، دوستانه و برادرانه با هم زندگی می‌کردند. اما صهیونیسم کنونی نزدیک به هفت میلیون انسان را از خانه‌هایشان بیرون کرد، ده‌ها هزار نفر را از ۱۹۴۷ تا الان کشت و میلیون‌ها آدم را آواره و بی‌خانمان کرده است. ده‌ها هزار نفر در زندان‌های آن‌ها هنوز در حال شکنجه‌اند. بعد گویی این‌ها منافاتی با حقوق بشر ندارد! بله؛ یهودیان همیشه در اروپا تحت ستم بودند؛ اما در جهان اسلام همیشه امنیت و آرامش داشتند و حتی صاحب ثروت و قدرت بودند. مثلاً در همین ایران ما که بیشترین یهودی‌های دنیا اکنون بعد از اسرائیل در ایران و آمریکا هستند، هنوز خیلی از یهودی‌ها جزو ثروتمندترین‌های بازارند.

نکته قابل توجه آن است که **کسی در جهان اسلام از جمله در فلسطین با**

**یهودی بودن کسی مشکل نداشته است.** اما این قوم با این شبهات می‌خواهند

جای ظالم و مظلوم و جای شهید و جلاد را عوض کنند.

فقه اسلام، یهودی و مسیحی را به رسمیت شناخت. هیچ وقت در اسلام کسی

شعار محو یهود نداده است؛ بلکه آن‌ها به توحید و اسلام دعوت می‌شدند. به

● بخش اول: درباره صهیونیسم

آن‌ها گفته می‌شد ارزش‌هایی که در ادیان شما هست، در اسلام نیز موجود است و نقاط ضعف آن نیست؛ ولی اجبار یا محرومیتی نبود. یهودیان در پارلمان نماینده دارند، آزادی کامل دینی دارند و اتفاقاً اکثر یهودیان ایران، ضد رژیم صهیونیست هستند. چنان‌که در آمریکا بخش مهمی از یهودیان ضد صهیونیست در نیویورک روز قدس راهپیمایی کرده و پرچم رژیم صهیونیستی را آتش می‌زنند.

● تحریف چهارم

اولاً یهودیان استناد می‌کنند که شش میلیون نفر از آن‌ها در اروپا و آلمان توسط هیتلر در خلال جنگ جهانی دوم قتل‌عام شده‌اند؛ اما سؤال قابل تأمل این جاست که اصلاً شش میلیون یهودی آن‌جا بوده که در کوره‌های آدم‌سوزی کشته بشوند؟

ثانیاً اگر شش میلیون یهودی کشته شدند، خب صد میلیون هم مسیحی کشته شدند!

ثالثاً اصلاً با فرض صحیح بودن این شش میلیون و کشته‌نشده ده برابری مسیحیان نسبت به یهود، این مسئله به فلسطینیان چه ارتباطی دارد؟ حداکثر ماجرا این است که مسیحیان اروپا یا ایدئولوژی‌های مدرن اروپایی مثل فاشیسم یهودیان اروپایی را کشتند. آیا این مجوز می‌شود که صهیونیست‌ها به اسم یهود با فلسطینی‌ها و با مسلمین چنین جنایت‌هایی بکنند؟

◆ دو جریان کلی پشت اشغال فلسطین

دو جریان، دست به دست هم دادند تا مسئله قدس و جهان اسلام تحت الشعاع قرار بگیرد.

**نکته اول:** سرمایه‌داری معتقد است مسلمان‌ها و فلسطینی‌ها تروریست هستند، پس با دموکراسی میانه ندارند؛ اما واقعیت این است که آن‌ها تن به دموکراسی هیچ کشور اسلامی نمی‌دهند؛ زیرا می‌دانند در هر کشور اسلامی از آسیای میانه که سابقاً جزو شوروی بود تا شرق آسیا و کشورهای عربی هر جا انتخابات واقعاً آزاد برگزار شود، جریان‌های اسلامی رأی می‌آورند. سرمایه‌داری فقط شعار دموکراسی می‌دهد، اما دروغ می‌گوید. ما در چند کشور مسلمان دموکراسی داشتیم؛ اما از ترس متحد شدن شرق و غرب جلوی آن گرفته شد. برای نمونه می‌توان انتخابات غزه را یادآور شد. در ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان، آذربایجان، ترکمنستان، پاکستان، افغانستان و شمال آفریقا در مصر نیز انتخابات شد و اخوانی‌ها رأی آوردند؛ اما حتی با وجود رابطه خوبشان با غربی‌ها، علیه آن‌ها کودتا شد و به زندان افتادند.

**نکته دوم:** مسلمان‌ها تروریست هستند یا غربی‌ها؟! هزاران جوان مسلمان را در خیابان‌ها گرفته و ریش‌هایشان را به زور می‌تراشند. هزاران دختر جوان مسلمان به سمت حجاب آمده‌اند، اما حجاب‌شان به زور از سرشان برداشته می‌شود و آن‌ها را برخلاف احکام صریح قرآن زندان می‌برند. نکته بعد آن‌که گروه‌هایی که در کشورهای مسلمان کار انتخاباتی می‌کنند، کار تبلیغاتی عادی می‌کنند، اسلحه نداشته و سراغ جنگ مسلحانه نیز نرفته‌اند. بلکه خواهان گفت‌وگو هستند. به محض این‌که یک انتخابات نیم‌بند نیز درست می‌شود و احتمال رأی آوردن مسلمانان زیاد می‌شود، در شوراها شهر، فرمانداری، شروع به تقلب کرده و در انتخابات آرای مسلمان‌ها را نمی‌خوانند. با تمام این اوصاف اکنون اتهام تروریست بودن مسلمانان مطرح است! مسلمان‌ها در همه جای جهان اسلام یک حرف بیشتر ندارند و آن هم دعوت به انتخابات است.

بخش اول: درباره صهیونیسم

هر کشوری که با قرآن و حجاب و آزادی و انتخابات آزاد مبارزه کند، افراطی‌گری را در کشور خودش به وجود می‌آورد و باعث شکل‌گیری گروه‌های خشن زیرزمینی می‌شود. هر جا این جریان‌های تروریست و تکفیری رشد کردند، در مکانی بوده است که آزادی‌های قانونی وجود نداشته است. وقتی آزادی‌های قانونی گرفته شود، همان جوانانی که می‌خواستند فقط یک نماز بخوانند یا یک حجاب معمولی داشته باشند، وادار به افتادن در دام جریان‌های تندروی تروریستی می‌شوند. **استبداد است که تروریسم را به وجود می‌آورد و فقدان آزادی و قانون است که خشونت را دامن می‌زند.** در ادامه به توضیح بیشتر دو جریان مذکور می‌پردازیم.

● **عامل اول: جریان صهیونیستی و آمریکایی-انگلیسی**

همان‌طور که ذکر شد این جریان به اسم حقوق بشر و آزادی و دموکراسی، هر جا دموکراسی به نفع اسلام و مسلمین می‌شود، جلوی آن را می‌گیرد یا کودتا و سرکوب می‌کند و یا تهمت تروریسم به آن می‌زند. اما هر جا احتمال دهد که انتخابات به نفع یک غرب‌گرا تمام می‌شود، دموکرات می‌شود و چون می‌داند در جهان اسلام هر جا انتخابات آزاد باشد، نه کمونیست‌ها، نه صهیونیست‌ها، نه لیبرالیست‌ها و نه ناسیونالیست‌ها، بلکه مسلمان‌های متعادل رأی می‌آورند، پس با انتخابات مخالفت می‌کنند. جریان صهیونیستی و غربی با فضا سازی، با رسانه‌ها، با فشار روی دولت‌ها و حکومت‌ها در جهان اسلام، کاری می‌کند تا مردم نتوانند در انتخابات شرکت کنند. مسلمینی که میانه‌رو و معتدل هستند، صرفاً خواستار انتخابات آزادند و می‌خواهند در چارچوب قانون سخن بگویند، و حتی می‌گویند قدرت دست شما باشد، ولی اجازه بدهید ما نیز به‌طور عادی زندگی کنیم، در پاسخ کشته و سرکوب و نابود می‌شوند.

## ● عامل دوم: جریان وهابیت و تکفیری به رهبری آل سعود

آل سعود خود وهابی نبوده، بلکه سکولار است. ولی وهابیت که مذهب خریت و خشونت است را به عنوان ایدئولوژی مسلمان‌کشی و تبدیل جهاد ضد استعماری به جهاد ضد مسلمان انتخاب کرده است. آن‌ها با دلارهای نفتی برای حفاظت از نفت منطقه در خدمت صهیونیسم و آمریکا، و برای دفاع از موجودیت رژیم صهیونیستی، و برای دفاع از رژیم‌های وابسته که همه در شرف سقوط بودند، نهضت بیداری اسلامی را تبدیل به جنگ‌های مذهبی و داخلی کردند.

آل سعود وهابیت را برای مسلمین می‌خواهد. جریان اول آزادی را سرکوب می‌کند، جریان دوم هم جوان‌های مسلمان سنی را وهابی می‌کند (درحالی‌که وهابیت اهل سنت را قبول ندارند). برای تفصیل مطلب باید اشاره کرد به این‌که محمدبن عبدالوهاب چهار مذهب سنی را مشرک می‌دانست. وی پدر خودش را که قاضی و آخوند و عالم و مُلای سنی حنبلی بود را نیز مشرک می‌دانست! اولین کسی که علیه او کتاب نوشت، برادر خودش بود. وی معتقد بود برادرش منحرف است و کل مسلمین را مشرک می‌داند. همچنین محمدبن عبدالوهاب توسط علمای سنی تکفیر شد. قبل از آن «ابن تیمیه» که پدر این جریان است و سخنان خوبی هم در کنار سخنان بد داشت، توسط علما و قاضی‌های سنی شافعی و مالکی در مصر و شام تکفیر شد و او را به زندان انداختند و در زندان قاضی سنی فوت کرد. او معتقد بود هر کس زیارت پیامبر(ص) برود، مشرک است. اما در نهایت شاهد این موضوع بودیم که وهابی‌هایی که اهل سنت را قبول ندارند، از بین سنی‌ها یارگیری می‌کنند.

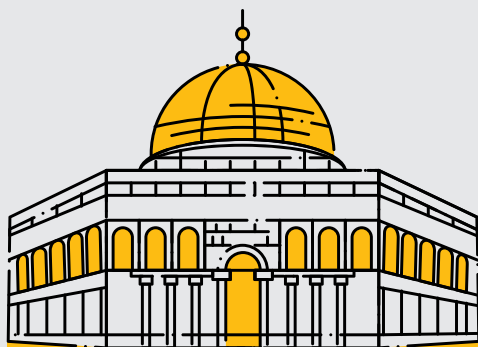
از طرف دیگر این جریان، مسلمانان سنی متعادل حنفی را سرکوب کردند. آزادی‌های قانونی‌شان را در آسیا می‌گیرند و بعد با کمک صهیونیست‌ها و آمریکا

● بخش اول: درباره صهیونیسم

و پول آل سعود، جریان‌های تکفیری خشن تروریست وهابی را ساختند و آن‌ها را طوری تربیت می‌کنند که از نظرشان کل اسلام مساوی است با انواع تکنیک‌های سربریدن جلوی دوربین تلویزیون. در قدم بعد جهاد علیه استکبار را به جهاد علیه مسلمان‌ها تبدیل کردند؛ همان‌طور که عملیات استشهادی فلسطینیان و لبنانی‌ها در بین صفوف ارتش‌های اشغالگر و استکباری در جهان اسلام را به عملیات‌های انتحاری در مسجد و حسینیه و بازار و کوچه و خیابان و مدرسه، علیه مسلمانان تبدیل کرده‌اند!







**بخش دوم:**  
**انقلاب اسلامی**  
**وقدس**

### ◆ رویکرد انقلاب اسلامی نسبت به دو جریان دموکراسی غربی و وهابیت

خط انقلاب اسلامی طرفدار مردم‌سالاری دینی، آزادی، آگاهی، اتحاد، برادری، پیشرفت، تمدن‌سازی، علم، اخلاق، برابری و برادری است؛ و نه طرفدار خشونت و جنگ و تروریسم و برادرکشی. دشمن بر سر اسلام متعادل می‌زند و جلوی آزادی‌های مشروع را می‌گیرد تا این نسل، جوان‌ها و مردم عصبانی بشوند. وقتی این امر رخ داد، زمینه انتخابات و آزادی و آگاهی و صلح فراهم نمی‌شود. اکنون نوبت بازوی دیگرش که وهابیت تکفیری باشد، است تا به اسم اسلام و جهاد، اسلام را بدنام کرده، مسلمان‌کشی کند و در کشورهای مسلمان خشونت و تروریسم و جنگ‌های داخلی راه بیندازد. این دو در ظاهر با هم مخالف هستند؛ اما در واقع مثل دو لبه یک قیچی با هم یک کار را انجام می‌دهند. آن‌ها قصد دارند نهضت اسلامی جدید، بیداری اسلامی، نهضت تمدن‌سازی اسلامی را قیچی کرده و قطع کنند. ما از همه دولت‌های مسلمان علی‌رغم اختلاف نظر و بدون این‌که قصد دخالت داشته باشیم، خواهش می‌کنیم به قانون اساسی‌هایی که خودشان نوشتند، عمل کنند. به آزادی مسلمین و به مقدسات آن‌ها احترام بگذارند و مسلمان‌ها نیز در چارچوب قانون و دموکراسی عمل کنند و بدین ترتیب قطعاً پیروز می‌شوند. از آن طرف نیز اعلام می‌کنیم مراقب جوانان باشند تا در دام جریان‌های خشونت تکفیری و اسلام وهابی و جهاد وهابی نیفتند؛ چراکه جهاد وهابی علیه مسلمین است. وهابیت به جنگ صهیونیسم نمی‌رود. داعش رسماً اعلام کرد ما با اسرائیل جنگ نداریم. همان‌طور که اعلام کرد که شرکت در راهپیمایی روز قدس حرام است! جالب است بدانید در شیعه هم یک جریانی به نام شیعه لندن هست که معتقد بودند شرکت در راهپیمایی قدس ممنوع و حرام است؛ چون بدعت

است! تازه فلسطینی‌ها سنی هستند و ما شیعه‌ایم، پس بگذارید سنی‌ها و یهودی‌ها همدیگر را بکشند!

### ◆ نابودی اسرائیل از پیشگویی تا عملیاتی شدن

این صحبت رهبری که اسرائیل بیست و پنج سال آینده را نخواهد دید، ابتدا به ساکن نبوده؛ بلکه در جواب دولت اسرائیل که به اعلام کردن برنامه‌هایشان برای بیست و پنج ساله آینده پرداخته بودند، بود. فلذا این صرفاً یک پیشگویی نیست. اسرائیل سقوط خواهد کرد، ان شاء الله به بیست سال هم نخواهد رسید. در عمل هم همین اتفاق در حال رخ دادن است. اسرائیل در جنگ سی و سه روزه برای اولین بار شکست خورد. جنگ بعد طی بیست و دو روز شکست خورد. جنگ بعدی طی هشت روز شکست خورد. جنگ بعدی را که شروع کرد، سه یا چهار روز نشده بود که خودشان اعلام صلح کردند! اسرائیل اکنون نگران است. رژیم صهیونیستی لب پرتگاه است و دیگر جرأت کارهایی که قبلاً می‌کرده است را ندارد. او جرأت شروع کردن هیچ جنگی را ندارد. چرا که می‌داند این دفعه خطرناک است. اگر این پرچم جهاد و شهادت بالا برود و مسلمین متحد بشوند، روزی خواهد رسید که این دفعه اگر جنگی شروع بشود، دیگر سپاه اسلام وارد بیت المقدس خواهد شد. این دفعه دیگر از دور موشک نمی‌زنیم.

### ◆ کمک‌های ایران به قدس؛ مالی یا فکری؟

برخلاف تبلیغات، حمایت مالی آن چنانی ایران از فلسطین و سوریه دروغ است. بلکه آن چه که از ایران به آن جا رفته و نیاز آنان بود، ایدئولوژی مقاومت، آموزش و سازمان‌دهی بود. ادعای ما را چند دلیل اثبات می‌کند.

یک. اگر با صرف حمایت مالی مشکل حل می‌شد، به گفته ترامپ آمریکا هفت تریلیون دلار پول در عراق و سوریه خرج کرد تا به کل منطقه مسلط بشود، ولی شکست خورد. همین‌طور رژیم خائن آل سعود و امارات و قطر هزاران میلیارد پول و اسلحه خرج کردند.

دو. ایران به لحاظ مالی، چنین پولی ندارد که بخواهد خرج کند.

ایدئولوژی مقاومت، طرز جنگیدن، طرز موشک‌ساختن و از این قبیل، آن چیزی است که فلسطینیان از ایران یاد گرفتند. قاسم سلیمانی‌ها رفتند و به آنان یاد دادند تا چگونه زیرزمین تونل بکنند. آوردن موشک و آموزش روش ساخت آن و بدین ترتیب مقابله با موشک به جای سنگ‌زدن، کمک ایران است. اکنون خود با پول خود و کار خود موشک می‌سازند. همان‌طور که رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس یک به ده با دست خالی جنگیدند، ثمره پشتیبانی آن‌ها این‌جا نیز منجر به جنگ سی‌وسه روزه، جنگ بیست‌ودو روزه و اتفاقاتی شد که در سال‌های اخیر در منطقه افتاده است.

### ◆ تفرقه؛ حربه اسرائیل برای جلوگیری از افول

آن‌چه تا الان باعث نجات اسرائیل از این سراشیبی و تأخیر در سقوط شده است، کارهای تکفیری‌ها، وهابی‌ها و جنگ‌هایی است که در عراق و سوریه و یمن راه انداخته‌اند. تبلیغات رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی و نوکرهایشان در ایران، به مردم ایران القا می‌کند که تمام پول و امکانات‌تان در عراق و سوریه و فلسطین و لبنان خرج می‌شود. در مقابل در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای، به مردم عراق گفته می‌شود هرچه پول و نفت و امکانات دارید، ایرانی‌ها مصرف کردند؛ عجم بر عرب مسلط شده است. در سوریه نیز می‌گویند

● بخش دوم: انقلاب اسلامی و قدس

مردم سوریه شما فدای ایران شدید! اگر شما کنار ایران و حزب الله نباشید، کسی با شما کاری ندارد. در لبنان نیز می‌گویند حزب الله عامل ایران است و لبنان فدای ایران شده است.

نکته اصلی این است که **هیچ‌کسی و هیچ‌ملتی قرار نیست فدای ملت دیگری بشود.** ایران و سایر کشورهای منطقه، مشکل واحد دارد و ظالمی که به ما ظلم می‌کند، یکی است؛ آن ظالم نیز آمریکا، انگلیس، فرانسه و رژیم صهیونیستی و چند رژیم فاسد عربی مثل آل سعود است. باید سایه نحس و شوم این کشورها را برداشت. همان‌طور که ملت ما این سایه را از ایران برداشت، ملت‌های دیگر نیز باید از منطقه بردارند.

### ◆ مردم ایران؛ آماده جهاد برای آزادی قدس

همان اوایلی که رژیم صهیونیستی تشکیل شد و هنوز جمهوری اسلامی نیز روی کار نیامده بود، نواب صفوی در بازار تهران اعلام آمادگی برای جنگ کرد. در آن زمان قریب به هفت هزار نیروی داوطلب، فقط در تهران برای ثبت‌نام به مسجد بازار مراجعه کردند تا به جهاد برای فلسطین بروند. هم‌اکنون نیز تجربه مدافعان حرم نشان می‌دهد که اگر راه را باز بگذارند، ده‌ها هزار نیروی مجاهد آماده رفتن به فلسطین اشغالی هستند. ایران همان‌طور که سوریه و فلسطین از انقلاب او حمایت کردند، از این دول حمایت خواهد کرد.

### ◆ حمایت فلسطین و سوریه از انقلاب اسلامی ایران

فلسطین، سوریه و لبنان تنها کشورهایی بوده‌اند که به انقلاب ایران کمک می‌کرده‌اند. حتی در زمان شاه، مبارزان مسلمان یا مارکسیست، سوریه، لبنان

و فلسطین را پناهگاه خود می دانستند. در ادامه به تشریح نحوه کمک این کشورها می پردازیم.

**فلسطین:** بعد از انقلاب اولین اسلحه از فلسطینی ها برای تشکیل سپاه گرفته شد.

**سوریه:** تنها کشوری که در طول هشت سال جنگ از اول تا آخر از ایران حمایت کرد، سوریه بود. تنها کشور عربی که جلوی صدام ایستاد و تنها کشور عربی که تا الان نیز با اسرائیل سازش نکرده، سوریه بوده است.

**لبنان:** لبنان حتی قبل از انقلاب نیز پایگاه اصلی مبارزان انقلابی ایران بوده و هرکس تحت تعقیب بوده، در لبنان و سوریه مخفی می شده و از فلسطین کمک می گرفته است. این کشورها همیشه کانون مقاومت بوده اند.

در زمان داعش نیز اگر سپاه قدس و مجاهدین کشورهای مسلمان نبودند، عراق و سوریه به طور کامل از بین می رفت و اسرائیل کنار مرزهای ما مستقر می شد. بعد حزب الله از بین می رفت و بعد نوبت به ایران می رسید. اصلاً با درنظر نگرفتن بحث حفظ اسلام و مسلمین و فلسطین، برای حفظ ایران، عده ای در سوریه و عراق و لبنان جنگیدند و شهید شدند. این مطالب، امور واضحی است اما انگار عده ای قصد فهم آن را ندارند.





همان اوایلی که رژیم صهیونیستی تشکیل شد و هنوز جمهوری اسلامی نیز روی کار نیامده بود، نواب صفوی در بازار تهران اعلام آمادگی برای جنگ کرد. در آن زمان قریب به هفت هزار نیروی داوطلب، فقط در تهران برای ثبت نام به مسجد بازار مراجعه کردند تا به جهاد برای فلسطین بروند.

قدس نماد مظلومیت کل جهان اسلام است. اگر قدس رها بشود، کل جهان اسلام آزاد می شود و دیگر هیچ قدرتی در شرق و غرب جهان جرأت نمی کند به ملت های مسلمان اهانت کند.



گرا  
@geraa\_ir



سازمان  
پسند  
دانشجویی  
معاونت سیاست ورزی